

**سید نادر نور بخش**

## کارشناس ارشد مطالعات اروپا

از دهه ۱۹۸۰ و با کم‌رنگ شدن خطرات زندۀ دوران فاشیسم و هم‌زمان با آغاز تحولات جدید مانند جهانی شدن و افزایش ورود مهاجران به کشورهای اروپایی شاهد ظهور و شکل‌گیری احزاب نوینی در صحنه سیاسی کشورهای اروپایی هستیم. این احزاب با رویکردی پوپولیستی خود را صدای اصلی مردم و اکثریت خاموش میدانند و احزاب حاکم اعم از چپ و راست را از یک جنس میدانند و آنها را به خاطر ورود مهاجران و تبعات فرهنگی نامطلوب آن برای جامعه متهم می‌کنند. احزاب راست افراطی در شکلی متنوع و تقریباً در همه کشورهای اروپایی حضور دارند و با مطرح کردن مسائلی مانند دفاع از ارزش‌ها و هویت ملی، سیاست چند فرهنگ‌گرایی را نقد کرده و البته با روشی هوشمندانه خود را از فاشیسم سنتی و نژادپرستی بیولوژیک مبرا می‌کنند. از سوی دیگر با قرار گرفتن این احزاب در جایگاه ضد ساختاری و افزایش بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی و نارضایتی از احزاب حاکم بسیاری از رای‌دهندگان حتی بدون وابستگی ایدئولوژیک به سمت این احزاب جذب می‌شوند. بررسی میزان آرای کسب‌شده در انتخابات‌های ملی و انتخابات پارلمان اروپایی از سوی این احزاب در عرض دو دهه گذشته بیانگر یک روند رو به رشد است و نشانگر این است که راست افراطی دیگر در حاشیه قرار ندارد، در این بین برخی مانند حزب آزادی اتریش و لیگ شمال ایتالیا حتی به دولت ائتلافی هم راه پیدا کردند و برخی دیگر نظیر جبهه ملی فرانسه با حضور مستمر و کسب آرای چشمگیر به وزنه‌ای تأثیرگذار در عرصه سیاسی کشورهای عضو تبدیل شده‌اند و حتی باعث شده‌اند احزاب حاکم راست میانه و محافظه‌کار برای جلب نظر هواداران آنها سیاست‌های تند تری در قبال موضوعاتی مانند مهاجرت در پیش گیرند. راست افراطی در جایگاه منحصر به فرد خود حتی بسیاری از خصوصیات حرابان جابرا نیز به‌عبارت گرفته

با رویکردی ضد نخبه گرایانه و مطرح کردن شعارهای پوپولیستی در جذب آرای کارگران موفق بوده و به حزب محبوب این طبقه در کشورهای اروپایی تبدیل گردیده است، روندی که به بهای ضرر احزاب کمونیست و سوسیال دمکرات تمام شده است.

از سوی دیگر و در سطح غیر حزبی نیز به موازات رشد عقاید راست افراطی به خصوص در میان جوانان گروه‌ها و سازمان‌های زیر زمینی مختلفی ایجاد گردیده اند که هر از چندی با برگزاری راهپیمایی‌ها و تظاهرات به ضدیت با اقلیت‌های مهاجر از جمله مسلمانان، کولی‌ها و غیره می‌پردازند. در کل به نظر می‌رسد در سطوح پایین‌تر گرایش‌های راست افراطی با نئونازیسم و نژادپرستی پیوند خورده است. فعالیت‌های خشونت آمیز مرتبط با جریان راست افراطی هم اکنون از جمله علیه مهاجران و اقلیت‌ها فراتر رفته و کل جامعه و امنیت شهروندان اروپایی را هم تهدید می‌کند، برای مثال در حادثه تروریستی ۲۰۱۱ نروژ که توسط یک شخص با گرایش‌های راست افراطی از سطح موسوم به "گروگ تنها" صورت پذیرفت حدود هفتاد تن از جوانان نروژی کشته شدند همچنین با فاصله کمی پلیس آلمان از کشف یک شبکه زیرزمینی نئو- نازی خبر داد که به مدت ده سال فعال بوده و در این بین تعدادی از مهاجران ترک و تار و بلس آلمان را به قتل رسانده بودند. این

از اب ر است افراطی با توجه به ویژگی  
بومی گرای مخالف سیاست های  
همگرایی اتحادیه اروپا هستند و  
آن را تهدیدی برای خود و باعث  
از بین رفتن مرزهای ملی  
کشور شان می دانند

مسئله حکایت از آن دارد که جریان راست افراطی در حال گسترش است و فعالان این عرصه با ابزارهایی نظیر اینترنت و به خصوص شبکه‌های اجتماعی مرام و عقاید خود را به گوش هم فکran خود در کشورهای مختلف می‌رساند

از جمله ویژگی‌های جریان راست افراطی می‌توان از موارد زیر نام برد: ضدیت با ساختار حاکم و احزاب جریان اصلی، پوپولیسم، مخالفت با دموکراسی نمایندگی، مخالفت با اتحادیه اروپا و همگرایی اروپایی، ضدیت با جهانی شدن، ضدیت با دموکراسی و کوشش برای ایجاد یک حکومت اقتدارگرا، مخالفت با چندفرهنگ گرایی و تأکید بر فرهنگ ارزش‌های ملی، نفرت نسبت به زمان حال به عنوان دوره انحطاط و نوستالژی به عصر طلایی گذشته، بومی‌گرایی، بیگانه‌هراسی، اسلام‌ستیزی، یهودستیزی و کولی‌هراسی، و از همه مهم‌تر مخالفت با مهاجرت. در این بین برخی از این ویژگی‌ها مانند مخالفت با مهاجرت در تمامی احزاب راست افراطی به چشم می‌خورد، ولی در مورد برخی دیگر مانند اسلام‌ستیزی و یهودستیزی در کشورهای مختلف اروپایی، این احزاب رویکرد متفاوتی دارند. از سوی دیگر برخی از خصوصیات هم با یکدیگر پیوستگی دارند برای مثال ملی‌گرایی و بومی‌گرایی از مخالفت با اصل برابری انسان‌ها ریشه می‌گیرد و در برخی موارد حتی به نژاد پرستی ختم می‌شود، از طرفی هم ضدیت با مهاجرت به دنبال خود خشونت و بیگانه‌هراسی را بر علیه اقلیت مهاجر به بار می‌آورد. این احزاب هم چنین اتحادیه اروپا را آن را تهدیدی برای خود و باعث از بین رفتن مرزهای ملی کشورشان، از میان رفتن هویت فرهنگی، افزایش میزان جرم و جنایت می‌دانند. از بُعد دیگر احزاب راست افراطی با رویکرد پوپولیستی، خود را برآمده از بطن مردم عادی می‌دانند و خواهان بکارگیری ابزارهایی نظیر رفراندوم در همه امور و مخالف دموکراسی نمایندگی هستند. سه انجام ضدیت با ساختار نه‌عنوان